

در صنعت نفت چه خبر؟

گفتگو با شهلا دانشفر در برنامه خط رفاه در تلویزیون کانال جدید، صفحه ۲



کارگران گروه ملی فولاد اهواز : مشکل ما حل نشه اهواز قیامت میشه

سه اطلاعیه از دور جدید اعتراضات قدرتمند کارگران گروه ملی فولاد اهواز
صفحات ۷ و ۸

مزد و نسبت آن با منزلت ما کارگران

کارگر کارگاهی حمید دائمی، صفحه ۴

تجمع مشترک بخش های بازنشستگان در کرمانشاه و بازنشستگان کشوری در اهواز و تهران
صفحه ۵

تجمع بازنشستگان کرمانشاه، تصویری باشکوه از یک عزم سیاسی عمومی
مهران محبی، صفحه ۶

کارگران در کف خیابان - شهلا دانشفر
برگرفته از زورنال ۶۳۸، صفحه ۸

اطلاعیه خبری از اعتراضات گسترده در نفت
صفحات ۹-۱۱

۸ بهمن: تجمعات بازنشستگان تامین اجتماعی و فولاد صفحه ۱۱

از مدیای اجتماعی

نامه سپیده قلیان: در این شب وحشت همراه با شما فریاد می زنیم، صفحه ۱۴

نامه سرگشاده دادخواهان: به خانم نادالانشیف معاون کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل "
صفحه ۱۴

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۸۱۶

۹ بهمن ۱۴۰۲

۲۹ ژانویه ۲۰۲۴



دوشنبه ها منتشر میشود

مردمی که در مبارزه اند
سرزنش نمی کنند
یاشار سهندی، صفحه ۱۳

کارگران در هفته ای که
گذشت
تنظیم کننده: سهیلا رضوانی
صفحه ۱۲

چهار زندانی سیاسی دیگر
اعدام شدند
صفحه ۱۰

فراخوان به اعتراض
جهانی علیه اعدام در ایران
۳ فوریه ۲۰۲۴
صفحه ۵





در صنعت نفت چه خبر؟

گفتگو با شهلا دانشفر در برنامه خط رفاه در تلویزیون کانال جدید

حسن صالحی: صنعت نفت همچنان در التهاب است. بیش از سه ماه است که از اعتراضات کارگران رسمی نفت میگذرد. از سوی دیگر کارگران ارکان ثالث اعتراضاتشان گسترده تر شده و در این هفته کارگران قراردادی نفت نیز تجمع داشتند. در صنعت نفت چه خبر است؟

نفتخیز جنوب، در دکل های نفتی، در گچساران و پالایشگاههای پارس جنوبی اعتراضاتی داشته اند. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث) طی گزارشات هر روزه و منظم خود از این اعتراضات فراخوانش به همه کارگران ارکان ثالث در مناطق مختلف نفتی این بوده که به این اعتراضات بپیوندند. ما هم مصدا با این شورا همین فراخوان را داریم. این تجمعات علیرغم احضار کردنها و تهدیدات امنیتی حراست و مسئولان کار پابرجا ادامه داشته است. در دوم بهمن بود که تعدادی از کارگران را بخاطر شرکتشان در اعتراضات مورد بازخواست قرار دادند و این مورد اعتراض دیگر کارگران قرار گرفت و مقابل این بازخواستها ایستادند و به تجمعاتشان ادامه دادند. بطوریکه در روز بعد از آن جمعیت بیشتری از کارگران در تجمعات اعتراضی شرکت کردند. همانطور که اشاره کردم دو مطالبه اصلی آنها حذف شرکتهای پیمانکاری و افزایش حقوقهاست. اما غیر از آن این کارگران میگویند که طرح طبقه بندی مشاغل اصلاح و بطور کامل اجرایی شود. و این خود به افزایش مقداری به حقوقهای آنها کمک میکند. همینطور خواستار تخصیص نفت کارت و بن کارت هستند. در عین حال خواستار تعلق دیگر مزایای رفاهی ای هستند که شامل کارگران قرارداد دائم و رسمی میشود. و در واقع این مطالبات نیز قدمهایی هستند برای عقب زدن پیمانکاران و قلدری ها و زورگویی هایشان. ضمن اینکه در همین راستا خیلی صریح اعلام میکنند که باید پیمانکاران از مراکز نفتی بیرون انداخته شوند. جالب است که نمایندگان نهادهای دست ساز حکومتی مرتباً سعی میکنند که جلوی مطالبه حذف پیمانکاران از سوی کارگران را بگیرند و کارگران را حول همان مطالبات فوری مثل طرح طبقه مشاغل سر بدوانند. اما کارگران در هر تجمع و اعتراض خود یک تاکید مهمشان همین موضوع برجسته شدن بساط پیمانکاران مفتخور است.

حسن صالحی: شهلا دانشفر کارگران قراردادی مناطق نفتخیز هم تجمع و اعتراض داشتند. تفاوت بین کارگران قراردادی و ارکان ثالث را کمی توضیح دهید. و اگر میشود کمی هم در مورد مطالبات کارگران قراردادی و اینکه اعتراضاتشان چه جایگاهی دارد صحبت داشته باشیم؟

شهلا دانشفر: در نفت کارگران به اشکالی مختلفی استخدام شده اند. و این یکی شیوه و شگرد حکومت بوده برای شقه شقه کردن بخش های مختلف کارگری در نفت و جلوگیری از اعتراضات سراسری آنها. برای اینکه جمهوری اسلامی تجربه سال ۵۷ و اعتراضات قدرتمند سراسری در آن مقطع را دارد. از همین رو الان در نفت ما کارگران ارکان ثالث را داریم. کارگران با قراردادهای موقت را داریم. کارگران با قراردادهای حجمی و یا قرار داد معین را داریم، کارگران پروژه ای پیمانی نفت را داریم و بالاخره کارگران رسمی را داریم. و اتفاقات بخش عظیمی از کارگران نفت با همین انواع قراردادهای موقت و بی ثبات در صنعت نفت به کار اشتغال دارند و در چنگ پیمانکاران مفتخور و چپاولگر اسیرند. کارگران قراردادی که کارگران قرارداد معین هستند. طبق قانون مقرر بوده که بعد از مدتی به استخدام رسمی صنعت نفت در بیایند. اما سالهاست که رسمی شدن قراردادهای این کارگران متوقف شده است.

به همین دلیل این کارگران دست به اعتراض زده و خواستار تبدیل وضعیت

شهلا دانشفر: همانطور که اشاره کردید صنعت نفت بسیار ملتهب است. اعتراضات در نفت هر روزه و گسترده است. یکشنبه های اعتراضی، دوشنبه های اعتراضی و روزه های مختلف اعتراضی را از سوی بخش های مختلف کارگران معترض نفت شاهدیم. و الان هم کارگران ارکان ثالث اعلام کرده اند که اگر جواب ما را ندهید هر روزه و در اشکال گسترده تر دست به اعتراض خواهیم زد. و بطور واقعی نیز ما در این هفته شاهد اعتراضات هر روزه این کارگران با شرکت جمعیت قابل توجهی از آنها روبرو بودیم. بنابراین صنعت نفت اکنون یک کانون داغ اعتراضی بر سر مسایلی ساختاری و پایه ای است. افزایش حقوقها، حذف پیمانکاران و دائمی شدن قراردادهای و لغو قراردادهای برده وار موقت محور های مهم این اعتراضات هستند که ابعادش از نفت فراتر میرود. چون اینها همه مسایل سراسری کارگری در سطح جامعه اند. بخاطر اینکه بخش عظیمی از کارگران در ایران با همین مشکلات درگیرند و الان خواست افزایش دستمزدها خواست سراسری کارگران و همه حقوق بگیران در ایران است. بخصوص در این مقطع که موعد تعیین حداقل دستمزد سراسری برای سال آتی است، جنبش برای خواست افزایش دستمزدها با قدرت تر ابراز وجود میکند. به اخبار همین چند روزه نگاه کنید. ما تجمع کارگران ارکان ثالث در سوم بهمن را داشتیم که با خواست افزایش دستمزدها و برای پیگیری دیگر مطالباتشان در هفت دکل نفتی بر پا شد. همینطور در روز قبل از آن شاهد تجمع اعتراضی کارگران ارکان ثالث در دکل های نفتی ۴۳ و هفتاد و یک بودیم. قبل از آن هم این کارگران در منطقه نفت خیز جنوب در اهواز تجمع قابل توجهی داشتند. بدین ترتیب اعتراضات این کارگران گسترده است و این اعتراضات هزاران کارگر ارکان ثالث را با مطالبه حذف پیمانکاران و دیگر مطالبات معیشتی اعلام شده شان در بر میگیرد. از طرف دیگر کارگران رسمی نفت همانطور که اشاره شد بیش از سه ماه است که در اعتراضند و در این هفته نیز همچون هفته های گذشته در شرکت بهره برداری نفت و گاز آعاجاری و شرکتهای مختلف در فلات قاره در سیری، لاوان، بهرگان، خارک ... شاهد تجمعات اعتراضی آنان بودیم. این کارگران در تجمعاتشان مثل همیشه با در دست گرفتن بنهایی که مطالباتشان بر روی آنها نوشته شده بود، بر ادامه اعتراضات خود تاکید کردند. و بالاخره اینکه در این هفته در سی ام دیماه کارگران قرار دادی شاغل در نفت در مقابل وزارت نفت تجمع داشتند. که سومین تجمع آنها بر سر مطالبات مستقیم شدن و دائمی شدن قرار دادهای کاری شان بود. و در واقع کارگران نفت با اعتراضاتی چنین گسترده دارند جواب بسیار کوبنده به حکومت میدهند. تداوم و گسترش اعتراضات جوابی محکم به حکومتی است که با اعدام و سرکوب فکر میکند میتواند جامعه را عقب بزند. و مصداقش کارگران فولاد اهواز هستند که با فریاد "نه تهدید، نه زندان، دیگر اثر ندارد" بر اجرایی شدن خواستههایشان پای کوبیدند.

حسن صالحی: شما اشاره ای به اعتراضات کارگران ارکان ثالث داشتید، تجمعات گسترده ای این کارگران بر پا کرده و در جاهایی دست به اعتصاب زده اند. اگر ممکن است مطالبات این کارگران را در جزئیات بیشتری توضیح دهید. و اعتراضاتشان چه ابعدی دارد؟

شهلا دانشفر: اعتراضات کارگران ارکان ثالث سراسری است. این کارگران در مناطق



یک شعار کلیدی مهم که از سوی این کارگران سر داده شده، شعار شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد بوده است. اما برسم به سوال شما که طرح کردید. و اینکه قدمهای بعدی کدامند. از نظر من اولین نکته اتحاد مبارزاتی سراسری کارگران نفت است. همین الان ما می بینیم که شورای سازماندهی کارگران غیر رسمی نفت در گزارشاتش بر حمایت خود از مبارزات بخش های مختلف نفت تاکید میکند و این تاکید مهمی است. و یا شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پروژه ای پیمانی نفت به مرجع بازتاب اعتراضات بخش های مختلف نفت تبدیل شده است. و این ارتباط باید وجود داشته باشد چون خواستهای مشترکی اعتراضات بخش های مختلف نفت را به هم پیوند میدهد. همانطور که قبلا هم اشاره کردیم اعتراضات در نفت بسوی سراسری شدن در حرکت است. سراسری شدن اعتراضات در این صنعت کلیدی یک فاکتور مهم در کشیده شدن جنبش کارگری بسوی اعتراضات سراسری است و این اتفاق بدون شک تاثیر مستقیم خود را بر قدرتمند کردن اعتراضات مردم در کل جامعه میگذارد و بر اعتراضات در کف خیابان قدرت می بخشد. به این ترتیب این یک گام مهم برای پرتاب به جلوی اوضاع سیاسی و سربر آوردن قدرتمند تر انقلاب زن زندگی آزادی خواهد بود. از این زاویه اعتراضات در نفت و گسترش آن در این شهرگ اقتصادی حکومت بسیار بسیار مهم است و جامعه بر این واقف است. از همین رو تاکید ما بر حمایت وسیع و گسترده از مبارزات کارگران در نفت بوده است. در عین حال مبارزات گسترده در نفت و وسعت گرفتن اعتراضات در سطح جامعه پاسخ محکمی به سرکوبگری های حکومت است. به این معنا که علیرغم همه سرکوبگریهایی که حکومت انجام میدهد. از جمله احضارها، اخطار دادنها و گسترش اعدامها و سرعت گرفتن ماشین کشتار و جنایت رژیم، اعتراضات گسترده تر شده است. از جمله در همین سوم بهمن ماه که محمد قبادلو از معترضین انقلاب و فرهاد سمیعی از زندانیان سیاسی عقیدتی اعدام شدند. دیدیم که چگونه در تجمعی که بخشهای مختلف بازنشستگان در تجمع بزرگ مشترکی که بر پا کرده بودند انزجار خود را از سرکوبگریها اعلام کردند و گفتند که ما کوتاه نخواهیم آمد و از خشونت و سرکوب نخواهیم ترسید. و این گفتمان کل جامعه است. که خود را در گسترش اعتراضات بازتاب میدهد. بنابراین تاکید ما بر گسترده کردن اعتراضات است. تاکید ما بر به میدان آمدن بخش های دیگر نفت و اعلام مطالباتشان است. تاکید ما بر حمایت و همبستگی مبارزاتی تمامی بخشهای نفت از یکدیگر است. و تاکید ما بر حمایت کل جامعه از مبارزات یکدیگر و از اعتراضات در نفت است. بخاطر بر حق بودن این مبارزات و نقش کلیدی ای که این کارگران در مبارزات کارگری در سطح جامعه دارند و ما قبلا در برنامه های دیگری در مورد اهمیت این موضوع بحث داشتیم. و بالاخره تاکید ما بر ایجاد شوراهای سازماندهی در تمام بخش های صنعت نفت است. همانطور که کارگران پروژه ای پیمانی نفت و ارکان ثالث شوراهای خود را شکل دادند، میشود این تشکلهای در میان بخش های دیگر چون کارگران رسمی و قراردادی نفت نیز شکل گیرند. و این خود میتواند گامی برای شکل گیری شورای سراسری کارگری در نفت باشد که ظرف اتحاد و همبستگی مبارزاتی کارگران باشد. اینها همه آن قدمهای هستند که میتواند به مبارزات کارگران در نفت قدرت بخشد و آنها را پله ای به جلو ببرد.

حسن صالحی: شهلا دانشفر بسیار ممنونم که در گفتگو با ما شرکت کردید.

در صنعت نفت چه خبر؟

از صفحه 2

قراردادهایشان و استخدام رسمی هستند. و وقتی حکومت تعدادی از این کارگران قرارداد موقت را از میان خودی هایشان تبدیل وضعیت کرد، اعتراض و خشم این کارگران شدت یافت. بویژه اینکه حکومت همواره سعی داشته افرادی از خودی هایشان را برای امنیتی کردن بیشتر فضای نفت تحت عناوین خانواده شهدا و بسیج و غیر استخدام کند و این عملکرد حکومت مورد اعتراض کارگران است و تاکید آنان بر رسمی شدن تمامی قراردادهای موقت بدون هر گونه تبعیضی است. نکته مهم اینست که کارگران قراردادی در اعتراضاتشان بر دائمی شدن تمامی انواع و اقسام قراردادهای موقت کاری شده اند. بدین ترتیب در واقع به صدای اعتراض همه کارگران قرارداد موقت از جمله کارگران پروژه ای پیمانی نفت تبدیل شدند و اساسا علیه قراردادهای موقت کاری قد علم کردند. و این یک اتفاق مهم است و مرکز و کانون این اعتراضات در مناطق نفتخیز جنوب در اهواز بود. و در این هفته ما شاهد سومین تجمع اعتراضی این کارگران بودیم. کارگران ارکان ثالث در صنعت نفت کار میکنند و تحت قوانین کار هستند. بدین شکل بین وزارت کار و صنعت نفت پاسکاری میشوند. و اساسا از طریق پیمانکاران در نفت کار میکنند. این بخش از کارگران نیز از همه این حد و مرز های گذاشته شده عبور کرده و خواستار حذف پیمانکاران و کار مستقیم در نفت هستند. در عین حال خواست همه این کارگران اینست که بهبودی در سطح دستمزدهایشان ایجاد شود. از جمله این کارگران خواستار پایان ۱۲ سال بلاتکلیفی و سرگردانی در قوانین کارگری و کارمندی، تبدیل وضعیت به استخدام معین، اصلاح فرمول پاداش طبق مدل پرسنل رسمی و قرارداد معین و اعمال کامل و بی قید و شرط مصوبه ساماندهی دی ماه ۱۴۰۰ هستند.

حسن صالحی: به عبارتی میشود گفت که یکی از فصل مشترکهای اعتراضات همه کارگران شاغل نفت مساله حقوق و دریافتی هاست. اما اجازه بدهید بعنوان آخرین سوال از شما بپرسم که با توجه به ابعاد گسترده ای که اعتراضات کارگران در نفت دارد، رو به آینده وضعیت را چگونه می بینید؟ برای پیشروی های بیشتر روی چه نکاتی انگشت میگذارید؟

شهلا دانشفر: اگر اجازه بدهید قبل از اینکه به این سوال مشخص شما پردازم اشاره ای هم به مطالبات کارگران رسمی نفت که بیش از سه ماه است در تجمع و اعتراض هستند داشته باشم. این کارگران هم اعتراضاتشان جایگاه مهمی دارد. بخصوص که یک بخش تعیین کننده و با ثبات در نفت هستند. کارگران رسمی هستند. و اعتراضات آنها کیفیت جدیدی به اعتراضات در نفت داد. و همانطور که در مباحث قبلی بحث و گفتگو داشتیم، این کارگران راه را برای به میدان آمدن بخشهای دیگر شاغل در نفت بازتر کردند. توازن قوا را برای اعتراضات در نفت بهبود بخشیدند و از این نظر اعتراضات آنها بسیار بسیار حائز اهمیت بود. یک مطالبه این کارگران اینست که مدیران فاسد و نالایق برکنار شوند. و این مطالبه مهمی است و همین امروز در بسیاری از مراکز کارگری کارگران همین مطالبه را دارند. چون فساد و رانت خواری یک مشخصه کل سیستم حاکم است. از جمله همین الان کارگران فولاد اهواز که دوباره اعتراضات خود را شروع کرده اند همین مطالبه را دارند. مطالبه دیگر کارگران رسمی نفت اصلاح کف حقوق و حذف سقف حقوق است. مصوبه ای که دریافتی آنها را کاهش داده است. خواست دیگر این کارگران اجرای ماده ده و پرداخت معوقات آن است. انجام آن بهبودی بر دریافتی های آنها ایجاد میکند و بالاخره اینکه این کارگران خواهان حذف سنوات بازنشستگی، برگرداندن مالیاتهای سنگین اخاذی شده از حقوقهایشان و توقف دست اندازی به صندوق بازنشستگی شان هستند. و در این اعتراضات بویژه موضوع تعرض به صندوق بازنشستگی کارگران شاغل و بازنشسته را بیش از پیش کنار هم قرار داده است. و تجمعات مشترکی هم داشته اند و



مزد و نسبت آن با منزلت ما کارگران کارگر کارگاهی حمید دائمی

زمستان هر سال موسم جوش و خروش بخش های مختلف جامعه کارگری و تشکل های مختلف مزدبگیران است. تکاپویی بر سر افزایش دستمزد و در واقع جدالی برای زندگی و زنده ماندن و منزلت انسانی است. ناگفته پیداست که این جنگ نابرابر انتخاب ما نیست بلکه حاصل کارکرد سیستمی است که بر خرید نیروی کار ما مزدبران بنا شده و این جدل را بر ما تحمیل می کند.

مزد علی القاعده می بایست کمیت و کیفیتی برای حفظ جایگاه ما بعنوان انسان های اجتماعی که در چرخه تولید مادی و هستی انسان نقش محوری و فعال ایفا می کنیم داشته باشد. اما با یک حساب سرانگشتی میتوان پی برد، که نه تنها از این محتوا تهی است، بلکه به عاملی برای تخریب جایگاه و منزلت انسانی ما به کار برده می شود. فارغ از تعابیر و تعاریف علمی و کلاسیک از مقوله مزد در علم اقتصاد، لازم است به دو جنبه مهم این مقوله که عبارت است از نحوه تعیین مزد و مقدار آن نگاهی میدانی بیاندازیم.

آنچه که در کشاکش جدل مزد در نظر گرفته نمی شود، حق بلامنازع ما کارگران برای تعیین دستمزد است. پایه ای ترین اصل در صیانت از منزلت ما کارگران و مزدبگیران، دخالت در تعیین ارزش کاری است که در پروسه تولید و خدمات مصرف کرده ایم. بواقع این حق از آنجا ناشی می شود که ما خالقان و آفرینندگان حقیقی ثروت و پول هستیم (که شکل ظاهریش کالا و مایملکی است که نصیب اربابان و سرمایه داران می شود. بدینگونه ما نه تنها صاحب آنچه که تولید کرده ایم نیستیم، بلکه حتی دستمزدی در شأن و نزدیک به آنچه که قادرمان سازد تا یک زندگی آبرومندانه و بدون دغدغه را فراهم کنیم بدستمان نمی رسد. در مقابل صاحبان قدرت و سرمایه پول ها و ثروت های هنگفتی را به جیب میزنند و سروسازات آنچنانی و زندگی افسانه ای برای خود و خانواده شان مهیا می کنند.

یکی از مسائل دیگری که ظرف این سالها تلاش کرده ایم تا به کارفرماها و ایادی قدرت بفهمانیم اینست که؛ مزد می بایست تأمین کننده یک زندگی در شأن انسان برای ما و خانواده هایمان باشد. آنچه که طی این سالها حاکمیت به نمایندگی از کارفرماها و ایادی شان در باور و فرهنگ جامعه تبلیغ می کنند این تصور است که انگار حق ما کارگران تنها غذا بر سر سفره ماست. گرچه همین حداقل هم برای بیش از ۵۰ درصد جامعه (بنا بر اظهارات و ایستگان دولت) هیچگاه فراهم نبوده و نخواهد شد. با چنین رویکردی هر سال در پشت درهای بسته می نشینند و بر سر مزد ما کارگران تصمیم میگیرند. بدون اینکه خبری خبری هم از بیمه های اجتماعی از جمله درمان رایگان، تحصیل رایگان و تسهیلات لازم برای تأمین مسکن باشد. در نتیجه با همین مزد چند بار زیر خط فقر تنها در موارد اضطراری (یعنی مواقعی که جان به لب رسیده یا با مرگ مساوی می شود)، آن هم با مشقت بسیار و به قیمت حذف برخی ضروریات دیگر زندگی و تنها در حد رفع و رجوع (و نه درمان ریشه ای و نتیجه دار) به آن اقدام می شود. در این سیستم حتی دارو و درمان نیز به تبع قوانین طبقاتی، تنها در اختیار اقل و طبقات بالا دستی قرار دارد و آنچه که سهم ما از این مهم در زندگی است، با کیفیتی بسیار پایین، با هزینه های بسیار گزاف و صرف وقت و امکانات زیاد بدست می آید.

یک حقیقتی که مزد سال هاست از آن تهی است؛ قابلیت پرداختن به عوالم و خواست های اجتماعی انسان است. چیزی که حاکمان و ارباب قدرت در شأن ما نپنداشته ما را از آن دور می کنند. در این حداقل دستمزدها که حتی در سر موعدهش پرداخت نمیشود، روابط ساده ای مثل میهمانی و تفریح، سفر و گردشگری و بسیاری

از فعالیت های اجتماعی نظیر فعالیت های هنری، ورزشی و دیگر حقوق انسان اجتماعی که قاعدتا با صرف هزینه و امتیازات مختصر می بایست فراهم شود، همه و همه از سبد هستی ما کارگران حذف شده است. ما معتقد نیستیم که این امر بالاتفاق و از سر تصادف روی داده است. این نظم و برنامه ای است که از پی مناسبات حاکم و تنها برای ما مزدبگیران حذف شده اند. اما برای بالا دستی ها؛ برای آنانکه حقوق های نجومی دریافت می کنند و غارتگرانی که دست در کیسه و خزانه مردم دارند و رقم های هزاران میلیارد دلاری می دزدند، هیچ زمانی (نه ابتدای بقدرت رسیدن ج.ا و نه این زمان) از دسترس شان خارج نبوده و نیست. آنها که حتی لباس نوزادان و غذای آشپزخانه هایشان را از بهترین برندهای موجود تهیه می کنند. اما برای ما و کودکان ما حتی دسترسی به شیر خشک و داروی پیش پا افتاده ضد سرماخوردگی و دیگر بیماری های بوفور موجود پیدا نمی شود و به لیست آمال و آرزوهای ما می پیوندد.

آنچه که از دریچه دستمزد های کنونی، که در بسیاری از مراکز تولیدی و خدماتی چندین بار از خط فقر پایین تر است، نصیب ما می شود، حسرت و زندگی ذلت بار و پر دردی است که تمامی اعضای خانواده ما را هم به سقوط می کشاند. دریافتی ما نهایتاً کفاف قدرت خرید نان و چند قلم مواد غذایی کم اهمیت مثل تخم مرغ، سیب زمینی و پیاز، سویای بی کیفیت و نظیر اینها را میکند که با این سطح از تغذیه در درازمدت انسان دچار سوء تغذیه و ضعف جسمانی و دماغی می شود. کالاهای فرهنگی و آموزشی در زندگی ما به اقلام لوکس بدل شده است و این از "معجزات" دست آوردهای سیستم دزد پروری است که جز به منافع تعداد اندکی انگل حاکم به چیز دیگری نمی اندیشد. کودکان ما از آموزش مناسب و با کیفیت محروم مانده اند و این چرخه هر روز بدتر و وحشتناک تر میشود. کودکان کار در جامعه، جگر گوشه های ما مزدبگیرانی هستند که از پس شکم خود خانواده برمی آیم. همسران ما به کارگران بی مزد و مواجب خانواده با حسرت های فروخورده تا پایان عمر بدل شده اند. این بردگی شایسته هیچ انسانی نیست و ما در مقابل زندگی خود و همسرنوشتان مان مسئولیم. باید به این چرخه تفرانگیز پایان داد.

یک قلم از معجزه نابرابری دستمزد در سال های اخیر، سقوط بیش از ۵۰ میلیون نفر از سکنه ایران به زیر خط فقر (آنهم نه لب مرز خط فقر که نزدیک به خط بقاء) بوده است. گور خوابی، پشت بام خوابی و کارتن خوابی گسترده یکی از علائم این نابرابری و ناامیدی و یأس، گسترش خودکشی (حتی در میان کودکان و زیر ۱۰ ساله ها)، فرار و ترک خانواده توسط پدران بیکار و کم درآمد، و هزاران نمونه دیگر است و اینها همه نماد سیستم فاسد و غارتگری است که ارزش و منزلتی برای ما مزدبگیران قائل نیست. در مقابل تعداد میلیونرهای (دلاری) ایرانی در سال ۲۰۲۰ به ۲۵۰ هزار نفر و نرخ رشد مجموع ثروت این افراد نیز در این سال به بیش از ۲۴٫۳ درصد رسید. تازه این آمار علنی و آشکار شده از لیست چپاولگرانی است که تنها در بانک های اروپایی (نه سراسر جهان) و نه ثروت های افسانه ای درون کشور که کمتر آمار موثقی از آن در دست است را در بر میگیرد.

جدال مزد جدال اول ماست تا رسیدن به زدودن همه آثار بردگی مزدی. برای اعاده عزت و جایگاه انسانی باید در این میدان بدرستی بجنگیم. ما در این جدال یکدیگر را

تجمع مشترک بخش های بازنشستگان در کرمانشاه و بازنشستگان کشوری در اهواز و تهران

امروز سوم بهمن ماه بنا بر فراخوان قبلی بخش های مختلف بازنشستگان در اعتراض به فقر و وضع بد معیشتی و برای پیگیری مطالبات خود تجمع بزرگی در کرمانشاه بر پا داشتند. تجمعی که در آن بیش از ۵۰۰ نفر شرکت داشتند و فریاد شعارهای کوبنده شان بر فضای شهر در مقابل استانداری شهر ظنین انداخته بود. در این تجمع بازنشستگان کشوری، لشگری، تامین اجتماعی و سایر صندوق ها حضور داشتند.

صبح امروز جمهوری آدمکش اسلامی محمد قبادپور از معترضین انقلاب زن زندگی آزادی و فرهاد سلیمی زندانی سیاسی را اعدام کرد. سخنرانی های پر شور بازنشستگان در این تجمع بازتابی از خشم و نفرت جامعه علیه اعدام و سرکوب بود. از جمله یکی از بازنشستگان طی سخنانی کوبنده که با کف زدن ممتد تجمع کنندگان همراهی میشد گفت: "آنچه از صندوقهای رای شما بیرون آمده است، فقر، فساد، بیکاری، اختلاس و استبداد مطلق بوده است. آنچه از صندوقهای رای شما بیرون آمده به گور سپردن آزادی، امنیت، رهایی و رفاه است... اگر سالهاست که جز فقر و فلاکت چیزی ندیده ایم. اگر سالهاست سرکوب و خشونت در کشور حاکم است، تنها یک دلیل دارد. خیابان فقیر است. ما دچار فقر و فشار شده ایم و به این سبب است که اسب قدرت بیرحمانه می تازد. ما بازنشستگانیم. با اقتدار خود، با قدرت همبستگی و همدلی خود ایستاده ایم. و حقوق خود را از حلقوم شما مسئولان بیرون خواهیم کشید. ما به نقطه ای رسیده ایم که زندگی و مرگ برای ما یکسان است. ما از مرگ و از خشونت شما نخواهیم ترسید. ما اینجا با قدرت آمده ایم. قدرت ما اجتماع است."

فراخوان این تجمع به پیوستن همه بازنشستگان به تجمعات و اعتراضات جمعی بود. فراخوان آنها به خیابان آمدن مردم به مقابله با این بساط جهنمی بود. بدین ترتیب بازنشستگان امروز در کرمانشاه فریاد اعتراض کل جامعه علیه سرکوب و جنایت حکومت و اعدامهایش را بازتاب دادند. بازنشستگان شعار میدادند: "بازنشسته به پا خیز برای رفع تبعیض"، و "فقط کف خیابان بدست میاد حقمان".

بازنشستگان کشوری امروز همچون سه شنبه های هر هفته در تهران و اهواز نیز تجمع داشتند. اعتراض بازنشستگان به فقر و بی تامینی و سرکوبگریهای حکومت و علیه اختلاسها و دزدی هاست. همسان سازی حقوق و افزایش سطح آن به بالای خط فقر سی میلیونی و درمان رایگان دو مطالبه مهم آنهاست. بازنشستگان صدای اعتراض همه مردم هستند. از مبارزات و خواسته های آنان وسیعا پشتیبانی کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۶ دی ۱۴۰۲، ۱۶ ژانویه ۲۰۲۴



فراخوان به اعتراض جهانی علیه اعدام در ایران

جمهوری اسلامی دست به جنایت تازه ای زد و چهار زندانی سیاسی که این روزها نامشان را بارها فریاد زدیم یعنی #محمد_فرامرز، #وفا_آذربار،



#محسن_مظلوم و #پژمان_فاتیحی را اعدام کرد. این چهار جوان در آخرین وداع با خانواده های خود از ما خواسته بودند که برایشان سوگواری نکنیم بلکه به مبارزه ادامه دهیم و این دقیقاً همان کاری ست که ما انجام خواهیم داد. در اعتراض به اعدام این چهار زندانی سیاسی، و در اعتراض به همه احکام اعدام صادر شده، کارزار جهانی نه به اعدام در ایران از همه ایرانیان ساکن کشورهای مختلف دعوت می کند تا در شهرهای محل سکونت خود به هر شکل که می توانند، و از جمله با برپایی تظاهرات و پرپرفورمنس در شب ۳ فوریه ۲۰۲۴، به این اعتراض جهانی علیه اعدام بپیوندند.

ما در عین حال از تمام تظاهرات های علیه اعدام که تاکنون برای ۳ فوریه اعلام شده است اعلام حمایت می کنیم.

ما به سهم خود تلاش خواهیم کرد به طرق مختلف از جمله تظاهرات جهانی علیه اعدام افکار عمومی را متوجه اعدام ها در ایران و حمایت از اعتراضات گسترده مردم ایران از جمله اعتصاب غذای زنان قهرمان زندانی سیاسی کنیم.

ما می کوشیم با این حرکات جهانیان را متوجه بازدید خانم ندا النشیف معاون کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل از ایران کنیم و خواهان این شویم که وی با زندانیان زیر حکم اعدام و خانواده های آنها و خانواده های قربانیان اعدام و همینطور زندانیان سیاسی اعتصابی دیدار کند و صدای اعتراض آنان را منعکس کند.

کارزار جهانی نه به اعدام در ایران، ۹ بهمن ۱۴۰۲ - ۲۹ ژانویه ۲۰۲۳

برای همراهی و همکاری با ما با ایمیل: StopExecutionNow.IR@gmail.com یا شماره تلفن ۷۱۳۸ ۴۷۱ ۴۱۶ + تماس بگیرید. (برگرفته از مدیای اجتماعی)

مزد و نسبت آن با منزلت ما کارگران...

داریم. نباید تنها به میدان وارد شد. خواهران و برادران ما مدتهاست در شرکت های نفتی و شرکت فولاد و هفت تپه این نبرد را آغاز کرده اند. تجمع هفتگی بازنشستگان که اصلی ترین شعارشان "معیشت و منزلت" است و دیگر بخش های جامعه راه را به همه ما نشان میدهد.

فوری ترین امر ما مزدبگیران در این برهه، ساختن شوراهای خود است تا بتوان متحد و پر قدرت، همچون کارگران نفت و فولاد به میدان بیاییم. باید با اتحاد خود-چه در صنف خود و چه با دیگر رشته های کار-اهرم تعیین و تصویب مزد را از دست نمایندگان دولت و کارفرمایان (و نمایندگان فرمایشی کارگری درون این سه گانه) خارج کنیم. آنگاه خود با خرد جمعی؛ مزدی برابر شأن انسانی مان را تعیین و همه اربابان قدرت را وادار به پذیرش آن کنیم. آنچه که ما در دست داریم، هیچ قدرتی در دنیا در دست ندارد، قدرت اتحاد برای اعتراضات و اعتصابات سراسری. چاره کار ما اتحاد و اعتصاب است. اعتراض ما کارگران به کل این سیستم و تبعیض طبقاتی حاکم است. ما برده نیستیم که شورایی عالی کار از بالا سر ما بنشیند و بر نرخ فروش نیروی کارمان رقم بزند. اعتراض ما به حقوقهای نجومی است. اعتراض ما به دزدی ها و اختلاسهاست. باید به کل این بساط توحش و بردگی پایان داد.

تجمع بازنشستگان کرمانشاه، تصویری باشکوه از یک عزم سیاسی عمومی

مهران محبی



این روزها که سال ۱۴۰۲ در حال سپری شدن و پایان یافتن است، مسؤلین دزد و جنایتکار حکومتی از دولت گرفته تا مجلس اسلامی سرگرم بحث و تبادل نظر حول چگونگی تصویب و اعمال میزان حداقل حقوق چند برابر زیر خط فقری دیگر برای سال ۱۴۰۳ بر کارگران و کارمندان هستند.

دولت و مجلس با براه انداختن جنگ زرگری بر سر حل اختلاف ۲ درصدی به اصطلاح در حال کشمکش هستند. مجلس با خواست ۲۰ درصدی افزایش حقوق کارمندان دولت در برابر دولت که فقط تا ۱۸ درصد افزایش حقوق موافق است ژست مردمی به خود گرفته است و قصد دارند حقوق کارگران مشمول تأمین اجتماعی را نیز به همین میزان به اصطلاح افزایش دهند. در حالیکه نرخ تورم رسماً اعلام شده نزدیک به ۵۰ درصد و تورم واقعی هم سر به فلک کشیده است.

تحمیل حقوقهای چندین برابر زیر خط فقر بر کارگران و مزدبگیران بعلاوه وجود ده ها میلیون بیکار که در فقر مطلق هستند، مصداق کشتن زندگی است که بازنشستگان اعلام آمادگی برای خونخواهی اش را کردند. زندگی جوانب مختلفی از قبیل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، محیط زیستی، عاطفی و احساسی دارد که حکومت ۴۴ سال آنها را هدف تبه کردن و محدود کردنشان تا حد ممکن قرار داده است. حکومت همه این بلاها را با اراده سیاسی و بکارگیری ماشین سرکوب و کشتاری که تابع این اراده و دستگاه سیاسی و حاکمیتی است بر مردم تحمیل می کند. ماشین سرکوب جمهوری اسلامی یک ماشین سرکوب سیاسی است.

تحمیل دستمزدهای چندین برابر زیر خط فقر بر شاغلین و بازنشستگان و تحمیل بیکاری و گرسنگی بر بخش عظیمی از جامعه یکی از جوانب زندگی مردم است که هدف هجوم و غارت حکومت قرار گرفته است. این روزها اعتراضات به مزمه های افزایش ۲۰ درصدی حقوقها در میان کارگران و بازنشستگان در کنار دیگر اعتراضات معیشتی در جریان است. وظیفه همه بخشهای جامعه است که در دفاع از زندگی به تجمعات بازنشستگان، کارگران، معلمان و پرستاران بپیوندند. در تجمعات خود مانند بازنشستگان کرمانشاه به اعدام ها اعتراض کنیم و با خواست لغو فوری احکام اعدام، حکومت را زیر فشار قرار دهیم. هر سرکوب حکومت اعم از تهدید، بازداشت، اعدام و کشتار مردم معترض، سیاسی است و ما نیز باید اعتراضات خود را هر چه بیشتر سیاسی کنیم.

تنها راه دفاع از زندگی و برخورداری از یک سطح معیشت معادل معیارها و استانداردهای امروزی زندگی در کشورهای پیشرفته غربی، یکی کردن اعتراضات صنفی و سیاسی و گرفتن ابزارهای سیاسی سرکوب مانند زندان و کشتار و اعدام از دست حکومت است.

تجربه ثابت کرده است که مبارزات و اعتراضات پراکنده فشار کافی را بر حکومت وارد نمی کند و نتیجه مطلوب برای ما مردم حاصل نخواهد کرد. باید به شعار "درد ما در شماست، مردم به ما ملحق شوید" بازنشستگان عمل کنیم و برای درمان درد

بازنشستگان ایران بعد از فروکش کردن اعتراضات خیابانی انقلاب "زن، زندگی، آزادی" با تداوم و گسترش بخشیدن به تجمعات خود در اعتراض به وضعیت معیشتی، به یکی از کانونهای گرم اعتراضات تبدیل شده اند.

در میان بازنشستگان شهرهایی که هر هفته و هفته ای حداقل دو بار تجمعات برگزار کرده اند، بازنشستگان کرمانشاه یک پای ثابت بوده اند و نمونه هایی از همبستگی و همراهی میان بخشهای مختلف خود از قبیل تأمین اجتماعی، کشوری و مخابرات را همراه با بروز نمونه هایی تلفیقی از مبارزات و اعتراضات صنفی و سیاسی در عرصه خیابان به معرض نمایش گذاشته اند.

روز سه شنبه سوم بهمن ۱۴۰۲ که حکومت قاتل و جنایتکار جمهوری اسلامی در ساعات اولیه صبح همزمان با پخش صدای اذان مرگ، محمد قبادلو جوان ۲۳ ساله معترض دستگیر شده در جریان انقلاب جاری و فرهاد سلیمی زندانی عقیدتی را با هدف ایجاد ترس و وحشت و ساکت نمودن جامعه در زندان به دار آویخته بود، بازنشستگان کرمانشاه طبق برنامه هفتگی، اما اینبار با جمعیتی بیشتر یک تجمع باشکوه با حضور بیش از ۴۰۰ نفر در برابر استانداری را تشکیل دادند.

حکومت که دو قتل سیاسی را به قصد جلوگیری از تجمع و اعتراض مردم مرتکب شده بود، چند ساعت بعد از جنایت اش در برابر اعتراض توده ای و تنفر و انزجار عمومی در داخل و خارج مواجه گردید و سرش به سنگ خورد. تجمع بازنشستگان کرمانشاه یکی از صحنه های اعتراضی همبسته به قتلهای دولتی محمد قبادلو و فرهاد سلیمی و فوران خشم و نفرت نسبت به جمهوری اسلامی بود.

در این روز بازنشستگان کرمانشاه طبق معمول از زبان کل مردم جامعه، حکومت جلادان و دزدان و غارتگران را به محاکمه کشیدند، اما فراتر از گذشته اینبار برعزم سیاسی جامعه برای پایان دادن به عمر حکومتی که عامل همه بدبختیها است و پاسخی غیر از کشتن و اعدام کردن در برابر خواست مردم ندارد، تأکید کردند.

شعارهایی که بازنشستگان در تجمع خود سر دادند، خلاصه پاسخ کوبنده عموم مردم به حکومت بود که این روزها علی رغم شدت بخشیدن به جنون آدمکشی و اعدام، سرانش به التماس افتاده اند و گدائی مشروعیت می کنند. پاسخی که مدتهاست با قتل مهسا امینی هر روزه با ادامه انقلاب تکرار می شود و آن این است که سرنگوتان می کنیم. فریاد "ما چیزی برای از دست دادن نداریم که بترسیم" در اعتراضات خیابانی سال گذشته که امروز در شعار بازنشستگان، رو به حکومت اعدام تکرار می شود معنایش سرنگونی است.

روز سه شنبه سوم بهمن بازنشستگان شعار دادند "ما به خونخواهی زندگی آمده ایم، شما زندگی را کشته اید!" این پاسخی است که آنها بدون لکنت زبان و ترس به دل راه دادن رو به حکومتی که چند ساعت قبل دو جوان را به قتل رسانده بود، دادند. گفتند که تو ضد زندگی هستی، تو پاسدار تبهایی و سیاهی و جهل هستی و ما عزم کرده ایم به تو و همه تبهایی ها و سیاهی هائی که بر جامعه کشانده اید، پایان دهیم. خونخواهی زندگی یعنی سیاهی و جهل قاتل زندگی را جارو کردن و به زیر کشیدن کل دستگاه و نظامی که هر آنچه سیاهی و تبهایی است بر برگ، برگ و در جمله به جمله قوانین و ایدئولوژی اش رنگ پاشیده و لجن و تعفن ازشان تراوش می کند.

جامعه هر روز دارد به اشکال مختلف به قول بازنشستگان کرمانشاه از حکومت خونخواهی زندگی می کند. از بازتشته و کارگر رسمی و غیر رسمی نفت و کارگر فولاد اهواز گرفته تا معلم و پرستار، زندگیشان تحت حاکمیت جمهوری اسلامی سیاه و تبه شده، اما مأیوس نشده و همچنان با امید به تغییر اوضاع به نفع خود اعتراض و مبارزه می کنند. مردم دست از سر جمهوری اسلامی که فقر و گرسنگی را با قدرت ماشین سرکوب و کشتار و اعدام تحمیل می کند تا زمانیکه به زندگی انسانی برسد و شور و نشاط را به زندگی برگرداند، بر نمی دارد.



صورت گرفت و کارگران با فریاد "نه تهدید، نه زندان، دیگر اثر ندارد" قدرتمند ایستادند و بعد از هشت روز اعتصاب عقب نشینی هایی را به مدیریت تحمیل کردند. از جمله ۳۸ کارگر تعلیقی این شرکت به کار بازگردانده شدند و قول اجرای طرح طبقه بندی مشاغل داده شد.

حزب کمونیست کارگری از مبارزات کارگران فولاد اهواز قاطعانه حمایت کرده و بر اتحاد مبارزاتی این کارگران با اتکا به مجمع عمومی شان تاکید میکند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۳ بهمن ۱۴۰۲، ۲۳ ژانویه ۲۰۲۴

آغاز دور دیگری از اعتصاب در گروه ملی صنعتی فولاد اهواز

امروز سه شنبه سوم بهمن ماه به دنبال عدم تحقق وعده های مدیریت فولاد اهواز در اجرای طرح طبقه بندی مشاغل که می تواند بهبودی در سطح دستمزدهای کارگران ایجاد کند، کارگران این مجتمع دور دیگری از اعتراضات را آغاز کردند و تمامی خطوط تولیدی در این مجتمع کارگری تعطیل شد. بنا بر خبر این اعتصاب اختطاری است و تا روز شنبه هفتم بهمن ماه ادامه خواهد داشت. کارگران اعلام کرده اند که هیچگونه فعالیتی اعم از تولید، تخلیه مواد اولیه و نیز بارگیری محصول صورت نخواهد گرفت و در صورت عدم اقدام موثر مدیریت در اجرای طرح، روزشنبه در مورد چگونگی و شکل ادامه اعتصاب تصمیم گیری جمعی خواهند کرد.

به گفته کارگران روز شنبه مدیریت شرکت تقاضای دو روز مهلت کرده بود. با پایان این مهلت در روز دوشنبه، مجددا مدیریت شرکت یک روز دیگر نیز فرصت خواست. با توجه به عدم جدیت کارفرما و مدیرعامل در اجرایی شدن طرح مذکور و وقت کشی های مستمر، کارگران تصمیم به اعتصاب گرفتند. تصمیم گیری جمعی با اتکاء به مجمع عمومی یک نقطه قدرت کارگران فولاد در مبارزاتشان است. حرکت اعتراضی قبلی کارگران فولاد اهواز بر سر همین مطالبه در دوم دیماه

پنجمین روز اعتصاب بزرگ کارگران گروه ملی فولاد اهواز

امروز شنبه هفتم بهمن ماه کارگران گروه ملی فولاد اهواز در پنجمین روز اعتصاب خود در اعتراض به خلف وعده های مدیریت دست از کار کشیده و با راهپیمایی بسمت فرمانداری حرکت کرده و در مقابل استانداری و فرمانداری اهواز و ساختمان مرکزی بانک ملی دست به تجمع زدند.

کارگران اولتیماتوم داده بودند که اگر تا شنبه هفتم بهمن ماه پاسخ نگیرند، در مورد چگونگی ادامه اعتصاب خود تصمیم جمعی خواهند گرفت. بدین ترتیب کارگران گروه ملی پس از گرد همایی و برگزاری مجمع عمومی در داخل شرکت، در اعتراض به عدم تحقق خواسته هایشان تصمیم به تجمع مقابل استانداری گرفتند.

صدای مستقل کارگران گروه ملی فولاد با پخش این خبر مینویسد: "هیئت مدیره مافیایی کارخانه نه تنها حاضر به اجرای طرح طبقه بندی نیست بلکه علیرغم توافقات قبلی اکنون با پیشنهاد پرداخت ۵ درصدی به جای ۵۰ درصد آشکارا به کارگران و پرسنل شریف گروه ملی و خانواده هایمان توهین میکند. بارها قاطعانه نشان دادیم که ما کارگران گروه ملی بر سر منافع و حقوق خود ذره ای کوتاه نخواهیم آمد. اینبار نیز پس از برگزاری جلسه عمومی در محوطه کارخانه در خصوص پیشنهاد وقیحانه هیات مدیره تصمیم به حضور در خیابان گرفتیم. ما را محک نزنید ما فولاد گذاشته ایم."

برکناری علی محمدی مدیر عامل، خلع مالکیت از بانک ملی، اجرای کامل طرح طبقه بندی مشاغل، همسان سازی با فولاد اکسین، بازگشت به کار همکار اخراجی کریم سیاحی، قرار دادی شدن کارگران شفق، مطالبات فوری کارگران گروه ملی فولاد است.

این کارگران به سطح نازل حقوقها و بساط مافیایی حاکم بر این مجتمع سه هزار نفره شدیداً اعتراض دارند. فولاد اهواز یک کانون داغ اعتراضات کارگری است و اتکاء به مجمع عمومی و تصمیم گیری جمعی یک نقطه قدرت اعتراضات این کارگران است.

حرکت اعتراضی قبلی کارگران فولاد اهواز بر سر همین مطالبه در دوم دیماه



صورت گرفت و کارگران با فریاد "نه تهدید، نه زندان، دیگر اثر ندارد" قدرتمند ایستادند و بعد از هشت روز اعتصاب عقب نشینی هایی را به مدیریت تحمیل کردند. از جمله ۳۸ کارگر تعلیقی این شرکت به کار بازگردانده شدند و قول اجرای طرح طبقه بندی مشاغل داده شد.

حزب کمونیست کارگری از مبارزات کارگران فولاد اهواز قاطعانه حمایت کرده و بر اتحاد مبارزاتی این کارگران با اتکا به مجمع عمومی شان تاکید میکند.

حزب کمونیست کارگری ایران-۷ بهمن ۱۴۰۲، ۲۷ ژانویه ۲۰۲۴

تجمع بازنشستگان کرمانشاه، ...

از صفحه ۶

مشترک که به زیر کشیدن جمهوری اسلامی است، اقدام مشترک کنیم. مبارزه مشترک علیه اعدام در کنار دیگر مبارزات صنفی و اجتماعی اولین اقدام و گام اساسی برای تحقق فوری خواسته های معیشتی و اجتماعی و در ادامه سرنگونی حکومت قاتل و خلاصی از همه نکبتها و کثافات است که این حکومت به جامعه سرایت داده است.



کارگران گروه ملی فولاد اهواز با قدرت به خیابان

مشکل ما حل نشه اهواز قیامت میشه

امروز هشتم بهمن ماه کارگران گروه ملی فولاد اهواز در اعتراض به حقوقهای نازل و خلف وعده های مدیریت برای ششمین روز متوالی دست به اعتصاب زدند و چرخهای تولید در تمام بخش های این مجتمع بزرگ سه هزار نفره را متوقف کردند. در این روز سیل جمعیت کارگران در صافی قدرتمند بسوی خیابان به حرکت در آمد و پس از تجمع در مقابل استانداری و فرمانداری شهر و ساختمان مرکز بانک ملی، کارگران در سطح خیابانهای شهر دست به راهپیمایی زدند. بدین ترتیب فریاد شعار "ما کارگران فولاد علیه ظلم و بیاداد می جنگیم می جنگیم" بار دیگر خیابانهای مرکزی شهر اهواز را به لرزه در آورد.

کارگران در این حرکت اعتراضی با شعار های کوبنده ای چون "دشمن ما همین جاست دروغ میگن آمریکاست"، "فولادی داد بزن حق تو فریاد بزن"، "ما دیگه رای نمیدیم عدالتی ندیدیم" بساط فقر و چپاول حاکم را به چالش کشیده و با فریاد "نه تهدید نه زندان دیگر اثر ندارد" پاسخ محکمی به سرکوبگریهای حکومت دادند. راهپیمایی کارگران در این روز در پل سفید (معلق) پایان گرفت و این کارگران بر تداوم اعتراضات خود تا پاسخگویی به خواستههایشان تاکید دارند.

صدای مستقل کارگران گروه ملی فولاد ضمن گزارش این خبرها در گزارش تکمیلی روز گذشته خود در رابطه با مطالبات کارگران و بدقولی های مدیریت مینویسد: "ما هاست که ما کارگران گروه ملی و شرکت خواستار اجرای کامل طرح طبقه بندی هستیم که پس از اعتصاب پرشور دی ماه، بانک ملی و مافیای کارفرمایی متعهد شدند به پرداخت ۵۰ درصد از طرح طبقه بندی از ابتدای بهمن. اما امروز وقیحانه اعلام میکنند که حاضر به پرداخت تنها پنج درصد بعلاوه یک و نیم میلیون!! از طرح طبقه بندی هستند که البته آنهم پس از کسر مالیات به معنای فریب کامل ماست. در ادامه اعتصاب پنج روز گذشته به دلیل عدم اجرای کامل طرح طبقه بندی، صبح امروز جلسه ای عمومی با حضور تعداد کثیری از کارگران گروه ملی و

شرکت شفق محوطه کارخانه برگزار شد و طبق نظر جمعی، تجمعات پرشور و خروشی برای اعتراض و هشدار جدی به چپاولگران فولاد، مقابل استانداری، فرمانداری، دادگستری و بانک ملی برگزار کردیم." در این گزارش کارگران هشدار دادند که اگر دستهای پشت پرده مافیایی قصد دارد با تحریک خشم کارگران منافع مالی و فاسد خود را دنبال کند، پاسخ این تعرض و سواستفاده را مثل همیشه با لرزاندن اهواز خواهند داد.

برکناری علی محمدی مدیر عامل، خلع مالکیت از بانک ملی، اجرای کامل طرح طبقه بندی مشاغل، همسان سازی با فولاد اکسین، بازگشت به کار همکار اخراجی کریم سیاحی، و قرار دادی شدن کارگران شفق، مطالبات فوری اعلام شده کارگران گروه ملی فولاد است. اعتراض آنان به سطح نازل حقوقها و بساط مافیایی حاکم بر فولاد است. نقطه قدرت اعتراضات کارگران گروه ملی فولاد اهواز اتکا به مجمع عمومی و تصمیم گیری جمعی است. که الگویی موفق برای اعتراضات کارگری در سطح جامعه است.

حزب کمونیست کارگری از مبارزات کارگران فولاد اهواز قاطعانه حمایت کرده و بر اتحاد مبارزات این کارگران با اتکا به مجمع عمومی و شرکت خانواده های کارگران در این اعتراضات که سنت اعتراضی این کارگران است، تاکید میکند.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۸ بهمن ۱۴۰۲، ۲۸ ژانویه ۲۰۲۴



یکشنبه های اعتراضی شان داشتیم که در شهرهایی چون شوش، اهواز، کرمانشاه، اراک انجام شد و با شعار "لشکری کشوری تأمین اجتماعی اتحاد اتحاد" جمعیت ۲۵ میلیونی بازنشستگان را به اتحاد فراخواندند. اتحادی که نمونه اش را در سوم بهمن ماه در کرمانشاه شاهد بودیم که بازنشستگان با شعارهای کوبنده شان پاسخ بساط سرکوب و اعدام حکومت را دادند.

حکومت بر اعدام و سرکوب شدت داده تا مردم را عقب بزنند. کارگر فولاد، کارگر نفت و بازنشسته معترض به خیابان آمده و با فریاد "نه تهدید نه زندان دیگر اثر ندارد"، و فریاد اینکه خشونت و سرکوب ما را نخواهد ترساند سرود آزادی سر می دهد.

اعتراضات در چنین ابعادی پاسخ محکمی به حکومت و بساط اعدام و سرکوبش است. این اعتراضات در کنار موج اعتراضی که علیه اعدامها از زندان و در سطح جامعه با اسم رمز "اعتصاب غذا" برپاشده، نشان دهنده زمینه مناسب برای اعتصابی عمومی در سطح سراسری برای عقب زدن حکومت و داغ کردن دوباره تئور انقلاب در کف خیابان است. بدین گونه جامعه مسیر انقلابش را هموارتر می کند. به پیش! (مندرج در ژورنال شماره ۶۳۸)

کارگران در کف خیابان - شهلا دانشفر

اعتراضات کارگری ابعادی جدید پیدا کرده و جامعه از اعتراض می جوشد. خیابانها در جایی مثل اهواز به صحنه اعتراضات پر شور کارگری تبدیل شده است. کارگران گروه ملی فولاد اهواز در اعتراض به فقر، فساد، اختلاسها و خلف وعدهها دوباره به خیابان آمده و امروز هشتم بهمن سیل جمعیت سه هزارنفره آنان و طنین شعار "ما کارگران فولاد علیه ظلم و بیاداد می جنگیم، می جنگیم" بر فضای خیابانها، اهواز را به لرزه در آورد. فریاد آنها فریاد اعتراض همه کارگران و مردم ماست.

در همین راستاست که بازنشستگان با فریاد "اتحاد اتحاد علیه فقر فساد" و دست گرفتن همیشگی بنر "شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد" پرچم اتحاد

مبارزاتی کل جامعه را برافراشته اند. تجمع بزرگ دیگر امروز از سوی کارگران ارکان ثالث در شرکت نفت و گاز گچساران است که پاسخ محکمی به برخورد امنیتی حراست به تجمع این بخش از کارگران در روز گذشته در پارس جنوبی بود. این کارگران با مطالبه حذف پیمانکاران کل ساختار صنعت نفت را مورد تعرض قرار داده اند و در کنار اعتراضات متوالی کارگران رسمی و کارگران قراردادی، نفت را به تکان در آورده اند.

اعتصاب کارگران پروژه آب شیرین مکران و تجمع اعتراضی کارکنان پتروشیمی هگمتانه در همدان اخبار اعتراضی دیگر این روز است. در کنار اینها امروز تجمعات بازنشستگان تأمین اجتماعی و فولاد را در ادامه یک سال



گسترش اعتراضات کارگران ارکان ثالث نفت تجمع اعتراضی کارگران ارکان ثالث شرکت ملی حفاری در دکل‌های نفتی

بنا به گزارش شورای سازماندهی اعتراضات کارگران ارکان ثالث امروز سوم بهمن ماه کارگران حفاری ارکان ثالث شرکت ملی حفاری شاغل در دکل‌های نفتی شماره ۲۱، ۸۱، ۸۰، ۴۵، ۳۸، ۳۷ و ۲۵ در اعتراض به سطح نازل حقوقها و عدم پاسخگویی به خواسته‌های خود دست به تجمع و اعتراض زدند. در همین رابطه همانطور که قبلاً گزارش کردیم در سه روز گذشته کارگران ارکان ثالث شرکت ملی حفاری در دکل‌های ۴۳ و ۷۱ نفت و گاز گچساران و کارگران ارکان ثالث، اداری-پشتیبانی، خدماتی و رانندگان شرکتهای پیمانکاری، مجتمع گاز پارس جنوبی تجمع داشتند.

کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث)، با درج اخبار این تجمعات و حمایت از اعتراضات بخش‌های مختلف، همکاران ارکان ثالث در تمام حوزه‌های نفتی را به پیوستن به این اعتراضات فراخوانده است.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۳ بهمن ۱۴۰۲، ۲۳ ژانویه ۲۰۲۴

حذف کامل شرکتهای پیمانکاری و افزایش حقوقها دو مطالبه مهم و سراسری کارگران ارکان ثالث است. دیگر مطالبات اعلام شده این کارگران عبارتند از: اصلاح و اجرای فوری طرح طبقه بندی مشاغل، تخصیص نفت-کارت و بن -کارت و مزایای رفاهی و دیگر آیم‌های مزدی. این تجمعات علیرغم تهدیدات امنیتی حراست و مقامات مسئول صورت میگیرد و کارگران اعلام کرده اند که اگر پاسخ نگیرند اعتراضات خود را گسترده تر خواهند کرد. شورای سازماندهی اعتراضات

تجمع اعتراضی کارگران قراردادی نفت در مقابل وزارت کار و اخباری دیگر



اعتراضات بخشهایی از کارگران رسمی که قبلاً گزارش شد، تعدادی از کارگران اخیرالاستخدام آزمون سال ۹۲ در شرکت نفت مناطق نفتخیز بنا بر فراخوان قبلی در اعتراض به مشکلات کاری و معیشتی خود و برای پیگیری مطالباتشان تجمع کردند. این کارگران به کاهش سطح حقوقهایشان و تصمیم اخیر مسئولین وزارت نفت مبنی بر کسر معادل ریالی یک گرید از حقوقشان اعتراض دارند.

دامنه اعتراضات در نفت بخش‌های مختلف آترا دارد در بر میگیرد و این نشانگر روند سراسری شدن این مبارزات در این مرکز کلیدی کارگری است. از اعتراضات کارگران در نفت وسیعاً حمایت کنیم.

علاوه بر نفت اعتراضات در بخش‌های مختلف کارگری گسترده است. بخش‌های مختلف بازنشستگان در روزهای مختلف هفته تجمعات اعتراضی هفتگی خود را برگزار میکنند و تاثیر بسیاری بر فضای اعتراضی شهرها گذاشته اند. کارگران گروه ملی فولاد اهواز در اعتراض به سطح نازل حقوقها و خلف وعده از روز گذشته دست به اعتصابی اختطاری زده و برای پاسخگویی به مطالباتشان تا شنبه مهلت داده اند. امروز نیز کارگران کک سازی طبس در اعتراض به کاهش مزایای مزدی خود دست به اعتصاب زدند. بنا بر خبرها مدیریت کارخانه کک‌سازی سال جاری برخی مزایای مربوط به حق افزایش تولید، حق پاداش و بهره‌برداری و کمک‌های غیر نقدی ای که در سال‌های گذشته به این کارگران پرداخت می‌گردید را کاهش و حتی در برخی موارد بطور کامل تحت عنوان کمبود منابع مالی قطع کرده است. این در حالیکه سال جاری این کارخانه تقریباً دو برابر سال گذشته تولید کک داشته‌ایم.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۴ بهمن ۱۴۰۲، ۲۴ ژانویه ۲۰۲۴

امروز چهارم بهمن ماه جمعی از کارگران قراردادی نفت با خواست قرارداد مستقیم و برای پیگیری دیگر مطالباتشان مقابل درب وزارت کار تهران تجمع کردند. و با شعارهایی چون "وعده وعید کافیه، سفره ما خالیه"، "تامین مسکن حق مسلم ماست" فریاد اعتراض خود را علیه وضع بد معیشتی خود و بی پاسخ ماندن مطالباتشان بلند کردند. گفتنی است که کارگران قراردادی نفت در این رابطه قبلاً نیز تجمعاتی داشته اند. از جمله کارگران مناطق نفتخیز جنوب روز ۳۰ دی ماه در اهواز تجمع داشتند. خواست این کارگران قرارداد مستقیم با مجتمع صنعت نفت و حذف پیمانکاران است. همچنین اجرای کامل مصوبه دیماه ۱۴۰۰ شورای اداری و استخدامی صنعت نفت یعنی فوق‌العاده تخصصی و مخصوص و نیز اصلاح فرمول محاسبه پاداش بهره‌وری مشابه کارکنان مدت معین و اصلاح فرمول اضافه کاری بر اساس تبصره یک ماده ۳۶ قانون کار دو مطالبه فوری این کارگران است.

از سوی دیگر اعتراضات کارگران رسمی نفت ادامه دارد و امروز کارگران شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغا جاری در ادامه اعتراضاتشان و برای پیگیری مطالبات خود در برابر ساختمان اداری این شرکت تجمع داشتند. روز دوم بهمن نیز علاوه بر

تلگرام: @wpi_tamas
۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲
تجمع اعتراضی کارگران
به حزب کمونیست کارگری
پیوندید!

تجمع اعتراضی کارگران
به حزب کمونیست کارگری
پیوندید!



چهار زندانی سیاسی دیگر اعدام شدند این جنایت نیز بی پاسخ نخواهد ماند!

حکومت اسلامی آدمکشان، حکومتی که جز با سرکوب و اعدام توان حکومت ندارد، همزمان با اذان شوم صبح دوشنبه ۹ بهمن چهار زندانی سیاسی، محمد فرامرزی، وفا آذربار، محسن مظلوم و پژمان فاتحی را پس از ۱۹ ماه شکنجه و اعتراف‌گیری اجباری اعدام کرد.

اعدام این چهار جوان ادامه جنگ جمهوری اسلامی با مردم بی‌باخته است. با سفاکت تصور میکنند با جنایت هرچه بیشتر میتوانند مردم را ساکت کنند و به حیات کثیفشان بیشتر ادامه دهند. اما این جنایات خشمی عمیقتر و بیشتر را در دل همه مردم می‌کارد. عزم مردم را برای سرنگونی جزمتر میکند و خشم و نفرت را در سرتاپای جامعه علیه جانان حاکم بیشتر و بیشتر می‌کارد.

جنگی برای سرنگونی این حکومت در جامعه جریان دارد. جنگی علیه سرکوب و زندان و اعدام، علیه فقر و محرومیت اکثریت عظیم مردم، علیه فساد و دزدی حاکمان، علیه حجاب و بی‌حقوقی زنان و علیه کل نظامی که این جهنم را بر اکثریت جامعه حاکم کرده است. جنگی که حکومت را بحرانی‌تر و مستاصل‌تر کرده و مردم را متحدتر و متشکل‌تر ساخته است. جنگی که بویژه در سالهای اخیر با پیروی زیادی علیه حکومت همراه بوده است.

در هفته‌های گذشته شاهد گسترش جنبش علیه اعدام در ایران و خارج کشور بوده‌ایم. این جنبش بسیار فراتر از مقابله با اعدام و ادامه انقلابی است که از شهریور سال قبل با شعار زن زندگی آزادی جامعه را وارد دوران تازه‌ای کرده است. این جنبش را باید با تمام قوا تقویت کرد، جنبشی که قادر است ماشین آدمکشی حکومت را فلج کند و بار دیگر خیزش انقلابی برای سرنگونی حکومت را شعله‌ور سازد.

حزب کمونیست کارگری صمیمانه به خانواده‌های این چهار جوان تسلیت می‌گوید و اعلام میکند که همراه با مردم انقلابی و دادخواه در داخل و خارج کشور، جنبش علیه اعدام را با قدرت بیشتری تقویت خواهد کرد. حزب کمونیست کارگری همه مردم انقلابی و معترض در داخل و خارج کشور، کلیه تشکل‌ها و فعالین سیاسی و اجتماعی، کارگران و معلمان، بازنشستگان، دانشجویان و زنان و جوانان آزاده، هنرمندان و نویسندگان و همه مردم معترض را فرامیخواند تا با تمام قوا به میدان بیایند و جنبش علیه اعدام را هر چه بیشتر تقویت کنند. جنبشی که قادر است همراه با جنبش علیه حجاب، جنبش رو به گسترش کارگری و سایر جنبش‌های حق‌طلبانه مردم حکومت جنایتکار و مفلوک اسلامی را از پا درآورد و به کل بساط ظلم و جنایت و فقر و فساد و ارتجاع حاکم پایان دهد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۹ بهمن ۱۴۰۲، ۲۹ ژانویه ۲

تجمع اعتراضی کارگران رسمی نفت در فلات قاره در بهرگان

امروز ششم بهمن ماه کارگران رسمی نفت در فلات قاره در بهرگان برای پیگیری مطالبات خود دست به تجمع زدند. اهم مطالبات این کارگران عبارتند از: برکناری مسئولین "نفوذی" و مدیران نالایق، حذف سقف حقوق، اصلاح کف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت معوقات آن، عدم تفکیک مشاغل در مناطق عملیاتی و عدم دست‌درازی به صندوق بازنشستگی نفت.

اعتراضات کارگران رسمی نفت این بخش کلیدی در صنعت نفت که شاه‌رگ اقتصادی حکومت است، سراسری است. بعلاوه کارگران قراردادی نفت با مطالبات تبدیل وضعیت و قرار داد مستقیم و کارگران ارکان ثالث با مطالبه مهم حذف پیمانکاران و افزایش دستمزدها بر استمرار هفتگی اعتراضات خود تاکید کرده اند. اعتراضات علیه تعرضات معیشتی، حذف پیمانکاران و افزایش دستمزدها در واقع محور اصلی اعتراضات همه بخش‌های کارگران شاغل در نفت است که هزاران کارگر را در بر می‌گیرد و دامنه اش به نفت محدود نیست و معضلات اساسی کارگران در سطح سراسری است.

گسترده‌گی اعتراضات در نفت روند سراسری شدن آنرا در نفت نشان میدهد و خود یک نقطه قوت مهم برای رشد و گسترش بیشتر جنبش کارگری است. از مبارزات کارگران نفت وسیعاً حمایت کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران، ۲۶ ژانویه ۲۰۲۴

تجمع اعتراضی کارگران ارکان ثالث شاغل در پالایشگاه‌های پارس جنوبی

امروز شنبه ۷ بهمن ۱۴۰۲، کارگران پیمانکاری شاغل در پالایشگاه‌های ۵، ۶، ۷، ۹، ۱۰، ۱۲ و دیگر پالایشگاه‌های واقع در منطقه پارس جنوبی در اعتراض به عدم پاسخگویی به مطالباتشان تجمع کردند. این تجمعات علیرغم تهدیدات امنیتی حراست و مدیریت برپا شده و کارگران شنبه‌ها را روز اعتراض خود تعیین کرده اند و امروز چهارمین هفته بود که دست به تجمع زدند. حذف پیمانکاران و افزایش حقوقها دو مطالبه اصلی این کارگران است.

خواستهای فوری این کارگران عبارتند از: اجرای کامل طرح طبقه‌بندی مشاغل، شیفت کاری دو به دو (چهارده روز کار و چهارده روز استراحت) نیروی اداری و پشتیبانی، و ساماندهی وضعیت رانندگان استیجاری.

علاوه بر اعتراضات کارگران ارکان ثالث، بیش از سه ماه است که کارگران رسمی نفت نیز در اعتراض هستند و مناطق مختلف نفتی روزهای مختلفی از هفته را به روز اعتراض خود تبدیل کرده اند. روز گذشته علاوه بر کارگران رسمی شرکت فلات قاره، کارگران شاغل در لاوان نیز تجمع اعتراضی داشتند. خواستهای سراسری کارگران رسمی نفت عبارتند از: برکناری نفوذی‌ها و مدیران نالایق، حذف سقف حقوق، اصلاح کف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت معوقات آن و عدم تفکیک مشاغل در مناطق عملیاتی.

اعتراضات بخشهای مختلف کارگران نفت به حقوقهای نازل و فضای امنیتی و شرایط نامناسب کار، فضای انفجاری کل جنبش کارگری را بازتاب میدهد و باید صدای این کارگران را فعالانه بازتاب داد.

حزب کمونیست کارگری ایران-۷ بهمن ۱۴۰۲، ۲۷ ژانویه ۲۰۲۴

فراخوانده است.



در این روز همچنین کارکنان پتروشیمی هگمتانه در اعتراض به وضع بد معیشتی خود در همدان تجمع داشتند. خبر اعتراضی دیگر این روز اعتصاب کارگران پروژه آب شیرین کن مکران بدلیل عدم پرداخت معوقات مزدی پنج ماهه آنهاست. این کارگران قبلا نیز در هجدهم دیماه در همین رابطه تجمع و اعتصاب داشتند. اعتراضات در نفت در این شهرگ اقتصادی حکومت گسترده است. از این مبارزات وسیعا حمایت کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۸ بهمن ۱۴۰۲، ۲۸ ژانویه ۲۰۲۴

تجمع بزرگ کارگران ارکان ثالث نفت و گاز گچساران

امروز یکشنبه هشتم بهمن ماه کارگران ارکان ثالث نفت و گاز گچساران در ادامه اعتراضات خود و با خواست محوری حذف پیمانکاران تجمع بزرگی بر پا داشتند. این تجمع پاسخ محکمی بود به برخورد امنیتی روز گذشته حراست با این بخش از کارگران در پارس جنوبی. تجمع امروز کارگران ارکان ثالث در گچساران بنا بر قراری از قبل اعلام شده برگزار شد. این کارگران علاوه بر مطالبه حذف کامل پیمانکاران که یک رکن مهم ساختار حکومت در مراکز نفتی است خواستار افزایش سطح حقوقهایشان هستند. خواستهای فوری کارگران ارکان ثالث که در راستای همین مطالبه است از جمله عبارتند از "بهره مندی از نفت-گاز کارت و بن کارت و دیگر مزایای رفاهی متناسب با شرایط کاری، رسیدگی به شرایط کاری پر خطر و نا ایمن و کلا افزایش حقوقها.

اعتراضات کارگران ارکان ثالث در نفت سراسری است و خواستهای آنها هزاران کارگر شاغل در نفت را در بر میگیرد. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت(ارکان ثالث) ضمن گزارش این خیر بر تداوم اعتراضات بر حق کارگران ارکان ثالث تاکید کرده و این کارگران در همه مراکز صنعت نفت را به پیوستن به اعتراضات

۸ بهمن: تجمعات بازنشستگان تامین اجتماعی و فولاد

هموطن داد بزن حقتو فریاد بزن



در کرمانشاه که از مدتها پیش یک کانون داغ اعتراضات بازنشستگان بوده و در سوم دیماه تجمعی بزرگی از بخش های مختلف بازنشستگان در این شهر تشکیل شد، امروز نیز بازنشستگان برای برگزاری تجمع حاضر شدند. اما نیروهای امنیتی به همراه چند تن از وابستگان تامین اجتماعی مانع برگزاری تجمع شدند و گفتند حق برگزاری اجتماع را ندارید. بازنشستگان صدای اعتراضشان را بلند کرده و بعد از مدتی کوتاه قرار تجمعات بعدی خود را گذاشتند.

بازنشستگان فولاد در اصفهان با راهپیمایی و تجمع و فریاد "هموطن داد بزن حقتو فریاد بزن" کل جامعه را به اتحاد مبارزاتی علیه فقر و بی تامينی فراخواندند. بازنشستگان اعتراض و خشم همه مردم را بازتاب میدهند و شایسته بیشترین حمایتها هستند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۸ بهمن ۱۴۰۲، ۲۸ ژانویه ۲۰۲۴

بازنشستگان تامین اجتماعی در ادامه اعتراضات خود امروز ۸ بهمن ماه در شهرهای شوش، اراک، و اهواز دست به تجمع و اعتراض زدند. این کارگران به وضع اسفبار معیشتی خود و بی پاسخ ماندن مطالباتشان اعتراض دارند. امروز بازنشستگان فولاد نیز در اصفهان و تهران تجمع کردند.

در شوش بازنشستگان به روال معمول از شهرهای کرخه، هفت تپه و شوش با هم تجمع کرده و از جمله شعار میدادند: "از خوزستان تا گیلان مرگ بر این مدیران"، "کشور پر درآمد چه بر سر تو آمد، مشکل ما حل نشه یکشنبه ها می آیم"، "از بس دروغ شنیدیم ما دیگه رای نمیدیم"، "اختلاس اختلاس عامل فقر و فساد"، "نه سرما نه گرما نیست جلودار ما"، بازنشسته داد بزن حقتو فریاد بزن، تا حق خود نگیریم از پا نمی نشینیم. در آخر نیز بازنشستگان معترض سرود آزادگی سر دادند. یک شعار مهم این بازنشستگان شعار "لشکری کشوری تامین اجتماعی اتحاد اتحاد" بود که جمعیت ۲۵ میلیونی بازنشستگان را به اتحاد مبارزاتی فرا میخواند.

در اهواز بازنشستگان تامین اجتماعی در میدان کارگر تجمع کردند و با شعارهایی شبیه "فریاد تا کی" و "حقوق نصفه نیمه سکوت کنی همینه" بر تداوم اعتراضات خود تاکید کردند.

در اراک نیز علیرغم سرما و برودت شدید هوا شماری از بازنشستگان جمع شده و پیگیر اعتراضاتشان شدند.

تجمع اعتراضی کارگران رسمی نفت در شرکت بهره برداری نفت و گاز آغاچاری و فلات قاره در سیری

مناطق عملیاتی و عدم دست درازی به صندوق بازنشستگی نفت. از اعتراضات نفت حمایت و پشتیبانی کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران
۸ بهمن ۱۴۰۲، ۲۸ ژانویه ۲۰۲۴

امروز هشتم بهمن ماه کارگران رسمی نفت در ادامه بیش از سه ماه اعتراض در شرکت بهره برداری نفت و گاز آغاچاری و شرکت فلات قاره در سیری تجمع داشتند. این کارگران یکشنبه ها را روز اعتراض خود تعیین کرده اند. مطالبات کارگران رسمی نفت سراسری است و عبارتند از: برکناری مسئولین "نفوذی" و مدیران نالایق، حذف سقف حقوق، اصلاح کف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت معوقات آن، عدم تفکیک مشاغل در



کارگران در هفته ای که گذشت

تنظیم کننده: سهیلا رضوانی

روز دوشنبه ۲ بهمن ماه ۱۴۰۲

- بازنشستگان مخابرات در اعتراض به وضع بد معیشتی خود و برای پیگیری مطالباتشان شهرستان‌های سقز، خرم‌آباد، شیراز، شهرکرد، بیجار، تهران، زنجان، همدان، کرمان، ارومیه، کرمانشاه، مریوان، رشت، اردبیل، سنندج، تبریز، اهواز، زاهدان، اراک، اصفهان، مجدداً مقابل شرکت مخابرات دست به تجمع زدند.

- رئیس اداره بازرسی کار در اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان خراسان شمالی اعلام کرد که در نه ماهه امسال، تعداد حوادث ناشی از کار که منجر به فوت و آسیب دیدگی کارگران شده، به ۱۳۹ مورد رسیده است. محیط‌های بخاطر سودجویی‌های سرمایه‌داران مفتخور به قتلگاه کارگران تبدیل شده است.

- گروهی از کارکنان شرکت مناطق نفت خیز جنوب، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان در مقابل ساختمان این شرکت در شهر اهواز، دست به تجمع زدند.

روز سه شنبه ۳ بهمن ماه ۱۴۰۲

- بازنشستگان فرهنگی و تأمین اجتماعی در اهواز و کرمانشاه مشترکاً دست به تجمع زدند. و پیگیر مطالباتشان شدند. در این روز بازنشستگان کشوری در تهران نیز در مقابل صندوق بازنشستگی کشوری تجمع داشتند.

- کارگران ارکان ثالث شرکت ملی حفاری ایران در دکل ۸۰، ۸۱، ۳۷، ۳۸، ۴۵ و ۲۱ با خواست کلیدی حذف پیمانکاران و پیگیری دیگر مطالباتشان دست به تجمع زدند.

- تمام بخش‌های کارگران کارخانه گروه ملی فولاد ایران در اهواز، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان و باند مافیایی حاکم بر این شرکت و با مطالبه افزایش دستمزد و اجرای کامل طرح طبقه بندی مشاغل دست به اعتصاب زده و در محل کار خود تجمع کردند.

روز چهارشنبه ۴ بهمن ماه ۱۴۰۲

- کارگران رسمی شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری در ادامه اعتراضات سه ماهه خود دست به تجمع زدند.

- کارگران کک سازی طیس در اعتراض به کاهش مزایای مزدی و دیافتی‌هایشان دست به تجمع اعتراضی زدند.

- در اثر واژگونی یک دستگاه اتوبوس حامل کارگران کارخانه «کفش بهمن» در شهرک صنعتی مهدی شهر سمنان، دو کارگر جان خود را از دست داده و ۲۵ نفر دیگر مصدوم شدند.

- کارگران قراردادی نفت طبق فراخوانی از قبل اعلام شده و با خواست لغو قراردادهای موقت کاری و دائمی شدن آن مقابل درب وزارت نفت در تهران مقابل ساختمان وزارت نفت تجمع برگزار کردند.

- کارگران پیمانکاری اداره کل ورزش و جوانان استان ایلام، کارگران ارکان ثالث پالایشگاه آبادان، بازنشستگان کشوری و معلمان طرح حمایتی در کشور از عدم پرداخت مطالبات مزدی و بیمه‌ای خود خبر دادند.

روز پنج شنبه ۵ بهمن ماه ۱۴۰۲

- «عثمان اسماعیلی» فعال کارگری در سقز، در حالی ۷۳ روز از حکم ۱۶ ماه حبس تعزیری خود را سپری کرد که در شرایط وخیم جسمانی قرار دارد. وی مبتلا به بیماری فتق اینگوینال است و هم‌زمان نیز از آسم شدید، بیماری قلبی و رماتیسم رنج می‌برد. عثمان اسماعیلی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود.

- اعتراض‌های پیایی کارگران شهرداری سی سخت هم برای دریافت دستمزد معوقه کارساز نبود و آنها همچنان ۱۳ ماه دستمزد معوقه از شهرداری طلب دارند.

روز شنبه ۷ بهمن ماه ۱۴۰۲

- کارگران پیمانکاری ارکان ثالث شاغل در پالایشگاه‌های ۵، ۶، ۹، ۱۰، ۱۲ و دیگر پالایشگاه‌های واقع در منطقه پارس جنوبی در اعتراض به عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان و با مطالبه حذف پیمانکاران و افزایش حقوقها و اجرای کامل طرح طبقه بندی مشاغل دست به تجمع زدند.

- کارگران گروه ملی فولاد اهواز در پنجمین روز اعتصاب خود مقابل استانداری خوزستان و فرمانداری اهواز دست به تجمع زدند.

روز یکشنبه ۸ بهمن ماه ۱۴۰۲

- تداوم اعتصاب و اعتراض کارگران گروه ملی فولاد برای ششمین روز مقابل استانداری خوزستان و مقابل ساختمان مرکزی بانک ملی در اعتراض به عدم پاسخگویی به خواسته‌هایشان و فریاد شعاری کوبنده خود در خیابانهای شهر.

- محمود ملاکی معلم زندانی و بازرس کانون صنفی معلمان بوشهر برای ۵ روز مرخصی از زندان آزاد شد.

- کارگران پروژه آب شیرین‌کن مکران بدلیل عدم پرداخت معوقات دستمزد خود دست به اجتماع زدند.

- بازنشستگان تأمین اجتماعی در ادامه یکشنبه‌های اعتراضی برای پیگیری مطالباتشان در شهرهای شوش، اهواز، اراک و بازنشستگان فولاد در شهرهای اصفهان و تهران تجمع کردند.





مردمی که در مبارزه اند سرزنش نمی کنند

یاشار سهندی

جنگ میان مردم و حکومت اسلامی با شدت و حدت تمام در جریان است. حکومت زخم خورده، سر به جان زندانیان سیاسی گذاشته است؛ حکم اعدام صادر میکند، حکم قصاص چشم برای معترضی صادر کرده است، زندانیانی را که حالشان وخیم است از دارو و درمان محروم کرده است. نقشه کشیده که نان را با تزویر و فریب گران کند، قیمت بنزین را چند برابر کند. یاهو هایی با ادعای "یافته های علمی" تهیه میکنند که مصرف بالای نان و قند و شکر در میان ایرانیان شایع است و موجبات بیماری دیابتی را فراهم می آورد (!) در نتیجه بهتر است این اقلام به اضافه کلیه اقلام مورد احتیاج هر فرد هر چه بیشتر گران شود و ... روزی نیست یک نقشه خبیثانه نکشند که چطور میشود زندگی را بر مردم گران تمام کرد و آخرین مورد آن بحثهای منطقه ای کردن دستمزدها و منطقه ای کردن حق مسکن کارگران است. این یک سوی ماجراست.

سوی دیگر واقعیت این است در سحرگاه سه شنبه سوم بهمن جمهوری اسلامی بار دیگر جنایت آفرید، به این امید که زهر چشم گرفته باشد. اما همان روز کارگران فولاد اهواز بار دیگر تصمیم گرفتند پا به میدان بگذارند و حق خود را طلب کنند. شنبه 7 بهمن سیل خروشان کارگران فولاد راهی خیابانهای اهواز شدند و شعار دادند: "مشکل ما حل نشه اهواز قیامت میشه"؛ در همان روز در عسلویه و لاوان و همدان و تبریز کارگران نفت و پتروشیمی در ادامه شنبه های اعتراضی بار دیگر تجمع برگزار کرده و پیگیر خواسته های خود شدند. در طول هفته بازنشستگان بخشهای مختلف باز هم به اعتراضات خود ادامه خواهند داد، و روز یکشنبه بخشی از آنها با شعار اتحاد در خیابان بودند. زنان با بی حجابی خود خواب شب را بر جمهوری اسلامی حرام کرده اند. مبارزه علیه اعدام، با وجود همه زخمهایی که جمهوری اسلامی بر پیکر جامعه میزند اما قوی تر و گسترده تر از قبل جریان دارد. بسیاری سعی کردند با جوسازی علیه مردم که مقصر شماست که قبادلو اعدام شد، چون شما خواب بودید! و به این طریق عملاً جمهوری اسلامی از تیررس مبارزات علیه اعدام خارج سازند اما واقعیت چیز دیگری است که مادر محمد قبادلو در استوری از "مردم فهیم ایران" بابت حمایتهايشان تشکر و قدردانی میکند.

خطر اعدام قریب الوقوع محسن مظلوم، وفا آذربار، محمد فرامرزی و پژمان فاتحی، چهار زندانی سیاسی بالا گرفته است و جمعی از زندانیان سیاسی زندان قزل حصار در بیانه ای تأکید میکنند: "... زهی افتخار و شرف و سربلندی برای این مردم وجوانان پاکبازش که در چنین شرایط کشتار و اختناقی چهرههایی چون ژینا و سارینا، نوید افکاری و میلاد زهرهوند، محسن شکاری، مهدی کرمی و قاسم و ایوب و حال محمد قبادلو و فرهاد سلیمی را نماد و سمبلی بر پرچمهای خود انتخاب می کنند تا از این پس چهره های پاک و معصوم این قهرمانان باشد که برای کوهها نماد مقاومت و ایستادگی، برای بهار سرمشق زندگی، برای مشعل الگوی شعله وری، برای قلبها نماد عشق و برای پرچم نماد هویت و افتخار باشند. تا چهره و رخساره آنها برای فداکاری و ایثار مصداقی عینی باشد و برای همیشه تاریخ در اهتزاز." و هستند کسانی در بیانه دیگری مردم را اینگونه سرزنش میکنند: "اگر چنین لحظاتی (اشاره به خطر اعدام 4 زندانیان سیاسی اهل کردستان) وجدانهای خاموش و انسانهای خفته را بیدار نکنند، هیچ ناقوس مرگی آنها را بیدار نخواهد کرد، و نشان خواهد داد که ما در سرزمین مردگان، نا امیدوارانه زندگی می کنیم." این لحن شمامت آمیز و تحقیر کننده شایسته مردمی نیست که چهل سال است به اشکال گوناگون با حکومت اسلامی در مبارزه هستند. اگر اینجا، ایران، سرزمین مردگان بود جمهوری اسلامی به خود زحمت نمیداد که کشتار راه بیندازد. این کشتارها دقیقاً بدین خاطر است که زندگان

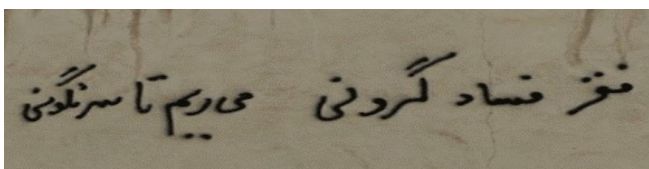
در جستجوی یک زندگی انسانی، برای معیشت و منزلت دست به مبارزه وسیع زده اند.

جمهوری اسلامی آنقدر وحشت زده است که برای مجلس خبرگان خود در حوزه های مختلف یک کاندید را دارای صلاحیت می داند و این نشان میدهد حتی به جمعیت کرایه ای خود اعتماد ندارد که مبادا به آن کسی مد نظر "آقا" است رای ندهد. یعنی طرف با رای تنها خودش به عنوان خبره آخوندها راهی مجلسی میشود که تنها ثمره اش تعیین یک تبهکار دیگر به اسم ولی فقیه است. یک مجلس پر از آخوند، آن هم از نوع مجتهدش چیزی بیار نمی آورد جز سیاه روزی. در نمایشات تلویزیونی حکومتی اما استاد دانشگاهی به سخن در آمده است و روزگار سیاه حکومت را جلو چشمش با صراحت با اشاره به جنبش های ۹۸ و ۹۶ و سالهای پیش از آن و انقلاب زن زندگی آزادی ترسیم میکند و هشدار میدهد اینها تو همین جامعه رخ داده است؟ این یعنی این که جمهوری اسلامی با جامعه ای طرف است که تصمیم خودش را گرفته که به هر شکلی شده از شر حکومت اسلام رهایی یابد.

کارگران درمیدان بر علیه ظلم و بیداد به اعتراض برخاستند. در چنین فضایی اجرای اعدام و تایید مرتب احکام اعدام، دور جدید اعتصاب کارگران فولاد اهواز، بیش از هر زمان دیگر اهمیت سیاسی دارد. حتی اگر حکومتیان توانسته باشند بنر خامنه ای را به میان کارگران اعتصابی و معترض در کف خیابان ببرند و سعی کنند "هیئات من الدله" برای لحظاتی بر جو اعتراضی تحمیل کنند. و کارگران فولاد اما کاملاً هوشیارند و این اعمال کثیف حکومت را با دقت رصد میکنند. تلاشهای اینگونه حکومت مفلوک اسلامی هیچ ثمری ندارد، اگر ثمر داشت که کارگر کف خیابان نبود. همگان شاهدند بار دیگر شهر اهواز شاهد عزم جزم کارگران فولاد است که فریاد میزنند: "ما کارگران فولاد علیه ظلم و بیداد می جنگیم می جنگیم" و تأکید دارند "ما را محک نزنید ما فولاد گذاشته ایم"

با ایجاد یاس و ناامیدی و جو سرزنش مردمی که کف خیابان خون داده اند و در مقاطع مختلفی دست به اعتراضات سرنوشت ساز زده اند آب به آسیاب حکومت میریزد. در این نبرد سخت و سنگین، حکومت اسلامی یکی از سلاحهای مرگبارش اعدام است و جنبش علیه اعدام میتواند باید هر چه بیشتر گسترش یابد و این سلاح مرگبار از حکومت گرفته شود.

برای رهایی از شر حکومت اسلامی سرمایه یک قدم مهم برای زدن ضربه آخر بر حکومت پیوستن به هم مبارزات کارگران در بخشهای مختلف صنعت نفت و پیوند این مبارزات با مبارزات کل جامعه علیه جمهوری اسلامی است. این امری است که باید شکل بگیرد. اگر جایی کسی باید دغدغه داشته باشد چگونگی شکل دهی به اعتصابات سراسری و تظاهرات میلیونی علیه حکومت اسلامی بر بستر انقلاب زن زندگی آزادی است.





نامه سپیده قلیان: در این شب وحشت همراه با شما فریاد می‌زنیم

#نه_به_اعدام

بفرمایید سنج را اعدام کنید

سر مهاباد را ببرید.

بفرمایید نگذارید کودکان ما به دنیا بیایند

بفرمایید نگذارید باران بیارد

و نگذارید گیاه بروید و نگذارید زمین زندگی کند

شیرکو بی‌کس

سیاه پوشد و ناراحت نباشد»

یا همانطور که محسن مظلوم در

ملاقات با مادرش گفته است:

«از جوانا و همی همسنگرام می‌خوام که محکم و با اراده باشند؛ هر اتفاقی افتادگریه و زاری نکنند و به ما افتخار کنند».

صدا می‌کنیم، پژمان را، محسن را، و فارا، محمد (هژیر) را. قلب ما با آنهاست، قلب ما با جوانا، با بیان، با ماریا است، قلب ما با مادران این عزیزان است. قلب ما با کردستان است.

در این شب وحشت همراه با شما فریاد می‌زنیم نه به اعدام که تاریخ پس از پیروزی حق بر جنایت و کشتار در ایران شاهد باشد چه بر ما می‌رود و چه مقاومتی در جریان بوده است.

یکشنبه ۸ بهمن ۱۴۰۲

(برگرفته از مدیای اجتماعی)

شب تا صبح نموتانم بخوابیم از کابوس اعدام، گلرخ با چشم‌های مضطرب به صفحه تلویزیون نگاه می‌کند، زیرنویس شبکه خبر امروز خبر قتل چه کسی را منتشر می‌کند، نرگس و دست‌های مضطرب هم بندهایم، مهوش و چشم‌های اشک آلود خواهرانم، محبوبه با گریه کنار سپیده، و بعد بانگ مرگ بر خامنه‌ای از هواخوری زندان سکوت مرگبار این دهشت بی‌کران را می‌شکند. امروز هم کشتند، هویتشان در همین است که بکشند، آن کس که بخاطر گُرد و بلوچ بودنش در مظان اتهام بیشتری‌ست را راحت‌تر می‌کشند. دوباره فریاد مرگ بر خامنه‌ای از هواخوری زندان اوین بلند می‌شود.

های جنایتکاران سبوعیت آدم‌کشی شما اگر تمامی ندارد، مبارزه ما نیز خستگی‌ناپذیر است. تفاوت اینست که آنکه پیروز است ماییم، همانطور که پژمان فاتحی با خانواده‌اش گفته است: «این مرگ با افتخار است به همسرم بگوئید برایم

نامه سرگشاده دادخواهان: به خانم نادان‌النسیف معاون کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل

ایران چه می‌گذرد. همین الان خانواده چهار زندانی کرد شب و روز ندارند و هر لحظه خطر اعدام عزیزانشان بالای سرشان است. بعلاوه اینکه لیست کسانی که این خطر آنها را تهدید می‌کند بزرگ است با خانواده‌های آنها سخن بگوئید. این دیدارها نتیجه اش این باید باشد که دنیا از زبان شما که معاون کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل هستید بشنود که در ایران ماشین جنایت و سرکوب حکومت چه بر سر مردم آورده است. چنین دیداری خواهد توانست جواب ما دادخواهان باشد.

ما دادخواهان فریاد رسای دادخواهی مردم ایران هستیم. و نه می‌بخشیم و نه فراموش می‌کنیم. تا به محاکمه کشاندن همه ی آمرین و عاملین جنایتها و کشتار چندین دهه به دادخواهی ادامه خواهیم داد. سخن ما دادخواهان را بشنویید ۸ بهمن ۱۴۰۲ (از مدیای اجتماعی)

صدای ما را بشنویید! ما #دادخواهانیم

کسانی که عزیزانمان توسط جمهوری اسلامی وحشیانه به قتل رسیده است.

مطلع شدیم که در چهاردهم بهمن برای دیداری دو روزه به ایران می‌آیید. گفته می‌شود که سفر شما جهت بررسی دو موضوع حقوق بشری در زمینه «اعدام» و «حقوق زنان» است. ما مدتهاست که در خواست چنین دیدارهایی را از ایران داشته ایم جاییکه حقوق بشر هر روزه در آن، زیر پا له می‌شود. بخصوص امروز که اعدام ها افزایش یافته و فشار بر روی زندانیان در بند بیداد می‌کند و جدالی بی‌امان بر سر زندگی و معیشت در کف خیابان جاریست.

اما به ایران بیایید و حرف مردم را بشنویید. حرف ما دادخواهان را بشنویید. حرف خانواده های یازده اعدامی ای را بشنویید که عزیزانشان بدلیل شرکت در اعتراضات انقلاب ژینا با شعار #زن_زندگی_آزادی، به قتل رسیدند. صدای خانواده های دادخواه کشته شدگان #انقلاب_مهسا و خانواده #محمد_قبادلو که به تازگی در زندان قزل حصار اعدام شد و زخم عمیقی بر روح جامعه به جای گذاشت، را بشنویید. حرف 61 زندانی زن شجاع در زندان اوین را بشنویید که در اعتراض به اعدام ها اعلام اعتصاب غذا کردند. ما خواهان این هستیم که صدای دادخواهی خانواده های کشته شدگان #هواپیمای_اوکراینی به گوش شما برسد. با زندانیان سیاسی دیدار داشته باشید و پای سخن #نرگس_محمدی ها، و زندانیان سیاسی در بند بنشینید.

دیدار با ماشالله کرمی پدر دادخواه #محمد_مهدی_کرمی معترض اعدام شده، دیدار با #راحمه_پور یکی دیگر از دادخواهان که بالای هفتاد سال سن دارد و در همین هفته بدلیل بیماری حاد قلبی به بیمارستان اعزام شد و بعد به زندان بازگردانده شد و دیگر دادخواهانی که هم اکنون در زندانند، به شما می‌گویند که در



صدای ما را بشنویید